

اصلاح یا حتی  
خصوصی سازی  
می‌دیدند. همانند  
اروپای غربی و  
شرقی، به آنها به  
عنوان بخشی از  
مشکل نگاه می‌شد  
و متقاعد ساختن  
سیاستمداران و  
مستخصان

کمک‌رسانی در این  
مورد که تعاونیها  
می‌توانند به سازگاری  
ساختاری کمک کنند و  
بخشی از راه حل باشند  
وقت می‌گرفت. همه اینها  
به توانایی تعاونیها در بقا و  
سازگاری و این امر نیز به نوبه  
خود به چندین عامل مهم دیگر  
بستگی دارد یکی از آنها اصلاح قانون  
تعاون بود. یک قانون خوب، تعاونی را  
سازمانی خودیار و خصوصی می‌شناسد که  
متعلق به اعضایش است، نه کانال توزیعی  
که تحت نظارت دولت قرار دارد. این  
قانون تعاونیها و شرکتهای سنتی روستایی  
را به خودی خود و نه به عنوان پیش  
درآمد تعاونیهای رسمی بلکه به عنوان  
تشکل هایی قانونی به رسمیت می‌شناسد.  
این قانون مقرراتی را برای کاهش شدید  
قدرت کارگزاران، آزادی تعاونیها در اداره  
امور خود و واگذاری حمایت‌های فنی به  
فدراسیون‌های تعاونی وضع می‌کند. این  
قانون به تعاونی اجازه می‌دهد تا مازاد  
درآمد را نگاه دارد و شالوده سرمایه  
خودش را خود بسازد. کل فرآیند باید  
مشارکتی باشد، طوری که نهضت‌های  
تعاونی در تعریف خودشان سهیم شوند  
بیشتر کشورهای شرق و مرکز آفریقا در  
دهه نود شرایط قانونی مطلوبی را فراهم  
آوردند تا در آن شرایط تعاونیها شکوفا  
شوند. عامل مرتبط دیگر بسط (توسعه)



## تعاون در قاره سیاه

○ جانستون برچال

○ ترجمه: علی اصغر مقصودی

□ قسمت دوم

آنها در  
فضایی حمایتی  
قرار داشتند. این از  
یک طرف به معنای اعطای  
امتیازات انحصاری، تضمین قیمت‌ها،  
معافیت از مالیات، دریافت کمک مالی و  
خدمات حمایتی و از طرف دیگر به  
معنای ناگزیری از "تحت نفوذ و نظارت  
طیقت فرسای دولت" قرارگرفتن بود،  
طوری که هیچوقت تعاونیها سازمان هایی  
خودمختار نمی‌شدند.<sup>۳۲</sup> از این‌رو  
سازگاری ساختاری هم یک تهدید و هم  
یک فرصت بود. چون تعاونیها بخش  
مهمی از اقتصاد شده بودند، هم قربانی  
شده بودند - قربانی تجارت، اصلاحات  
مالی و پولی و بی ارزش شدن پول رایج - و  
هم هدف شده بودند، آنها خود را نیازمند

### سازگاری ساختاری و تعاونیها

از اوایل دهه هشتاد به بعد فرآیند  
تغییرات شگرف در سراسر آفریقا آغاز  
شد. اقتصادها در حال لیبرالی شدن بودند،  
بودجه‌های عمومی قطع شده بود<sup>۳۳</sup> و نقش  
دولت مورد تجدید نظر قرار گرفته و به  
طور قابل ملاحظه‌ای در حال کاهش بود<sup>۳۴</sup>  
سابقاً، چون در خیلی از کشورها دولت با  
قدرت از تعاونیهای کشاورزی طرفداری  
می‌کرد و از آنها به عنوان وسیله‌ای برای  
دستیابی به اهداف توسعه استفاده می‌شد،

سیاست‌های دولت نسبت به تعاونی هاست. این اقدام باید با مشارکت نهضت‌های تعاون و سازمان‌های غیر دولتی انجام گیرد و روشن، سازگار و واقع‌گرایانه باشد. علیرغم تأثیر شدید سازگاری ساختاری، بعضی دولت‌ها هنوز نظارتی قوی را اعمال می‌کنند، با این حال در جاهایی که نظارت کم‌شده، فرصتهایی بسرای پدید آمدن تعاونی‌ها ایجاد شده‌است. عامل دیگر توانایی جایگزینی خدمات حمایتی فنی جدید به جای آنهایی است که دولت سابقاً ارائه می‌داده‌است. این خدمات شامل آموزش (هم اکنون معمولاً به توسعه نیروی انسانی برمی‌گردد)، ممیزی خارجی و مشاوره حرفه‌ای تجاری است. چون انحصار پیشین دولت به عدم کارایی و برخی اوقات ارائه خدمات نامناسب می‌انجامید، نه تنها به جایگزینی این خدمات، بلکه به بهبود قابلیت اعتماد و کیفیت آنها و دربرگرفتن مهارت‌های جدیدی همچون بازاریابی و برنامه‌ریزی تجاری نیاز است. چون تعاونی‌ها هم سازمان‌هایی دموکراتیک و هم تجاری هستند و چون هدف آنها کمک به افراد کم‌بضاعتی است که دارای مهارت و دانش لازم برای اداره یک کسب و کار نیستند، از این رو خصوصاً نیازمند خدمات حمایتی خوب هستند.

عامل دیگر توانایی رقابت تعاونی به عنوان یک کسب و کار است.

در حال حاضر پذیرفته شده است که "کارایی تجاری پایین بیشتر یک قانون است تا یک استثنا"<sup>۳۳</sup>، و اینکه یک سرمایه‌گذار ضعیف، بدهی سنگین و ارزش اعتباری محدود مشکلاتی هستند که گاه به گاه عود می‌کنند و مانع رقابت آنها با تجار خصوصی می‌شوند. پشت این ناکارایی یک ظرفیت کارآفرینی محدود در بین مدیران تعاونی و اعضای هیأت مدیره و همچنین ساختار وجود دارد که

بسیار سنگین است و در این حالت شرکت‌های تعاونی ناگزیر از تحمل هزینه فدراسیون‌های سطح بالاتر هستند. اعضای تعاونی‌های کشاورزی از این توهم رهیده‌اند که در گذشته برای اینکه برای تولیدشان بازاری بیابند مجبور بوده‌اند که به آنها ملحق شوند و بعد تعاونی‌ها را به خاطر قصور دولت‌هایشان در تحویل مواد، تأخیر در پرداخت بدهی محصول، آن هم به قیمت‌های پایین سرزنش کنند. همانگونه که دو صاحب‌نظر اخیراً اظهار داشته‌اند: "اساس کار در معرض فروپاشی قرار دارد"<sup>۳۵</sup> این ضعف‌ها را می‌توان با روابط پیشین بین دولت‌ها و بخش‌های تعاونی توضیح داد، اما میراث ناخشنودی و نارضایتی مانع دیگری است که باید بر آن فائق آمد. واقعیت وجود تعاونی‌های قدرتمند نشانگر آنست که عملکرد تجاری ضعیف جریانی موروثی برای شکل تعاونی نیست. اما "در عین اینکه اینها نمونه‌های شوق‌برانگیزی هستند که باید مورد مطالعه قرار گرفته و از آنها چیز یاد گرفت، ولی نشانگر سازمان‌های تعاونی بطور عام هم نیستند"<sup>۳۶</sup>

تعاونی‌ها در معرض بازار جهانی قرار می‌گیرند که در آن قدرت در جای دیگری قرار دارد. با ادغام شرکت‌های چندملیتی که ۳۰ درصد اقتصاد جهانی را در اختیار دارند، با گروه‌بندی‌های اقتصادی قدرتمندی چون اتحادیه اروپا (که هنوز از کشاورزش حمایت می‌کند) و بانک‌های بین‌المللی که کشورهای جهان سوم هنوز بدهی‌های سنگینی به آنها دارند، یک سؤال واقعی وجود دارد و آن اینکه در نظامی جهانی که رقابت بین سازمان‌هایی با اندوخته سرمایه بسیار متفاوت در جریان است، قدرت سیاسی تخصصی شده است و بنابراین آیا با توجه به روابط حاصل از این جریان‌ها، تعاونی‌ها اجازه شکوفایی می‌یابند یا خیر؟ البته تعاونی‌ها در کشورهای توسعه‌یافته، و در حال

توسعه به توازن کمک می‌کنند. به لحاظ نظری، امکانات هیجان‌انگیزند: در سال ۱۹۲۱، بناتریس Benatrice و سیدنی و Sydney Webb، که در مورد بخش تعاونی بریتانیا مطلب می‌نوشتند، قابلیت تعاونی‌های مصرف برای ورود اقلام مورد نیاز و قابلیت تعاونی‌های کشاورزی در صدور مایحتاج مصرف‌کنندگان دیگر کشورها را به عنوان کلیدی برای ورود به نظم اقتصاد جهانی که در آن هیچ بازار اقتصادی محوری وجود نداشته باشد، تشخیص دادند.<sup>۳۷</sup> با اینحال، این تنها در حد یک مبحث نظری باقی می‌ماند؛ ما در فصل دوم اشاره کردیم که پیوندهای بین‌المللی بین بخش‌های تعاونی نسبتاً ضعیفند با این حال هنوز جای مانور هست و در این جو نسبتاً مستقل و خودمختار است که تعاونی‌ها باید یاد بگیرند که برای بقا رقابت کنند و نیازهای اعضایشان را مرتفع سازند. عامل دیگر نیاز مستمر و همیشگی اعضا به تعاونی هاست؛ همانند اعضا و خانواده‌ها، خود تعاونی‌ها نیز تحت تأثیر سازگاری ساختاری قرار گرفته و بدتر شدن استانداردهای زندگی و ناامنی بیشتر را تجربه کرده‌اند با اینحال، نیاز به خود‌انگیزی کافی نیست؛ عامل دیگر درک اعضای تعاونی‌ها از ظرفیت تعاونی‌ها و نیاز به حمایت و تقویت آنها است و امکان دارد اعضای بی‌تفاوت و غیرمتعهد به جای آنکه برای تنبیر بر تعاونی‌ها فشار وارد کنند، به آنها پشت کنند.<sup>۳۸</sup>

آخرین عامل سرعت تغییر است. اگر تعاونی‌ها ظرفیت تغییر را داشته باشند، ممکن است نتوانند با سرعت کافی با وضعیت جدید سازگار شوند. به عنوان مثال، سازمان‌های تعاونی مرکزی نمی‌توانند در زمینه خدمات حمایتی به سادگی جایگزین آژانس‌های دولتی شوند، از این رو وقتی که دولت چنین خدماتی را قطع می‌کند به هیچ وجه نمی‌توان آنها را

توجه به مسائل سیاسی منصوب می‌شدند و در این زمینه با اعضا مشورت نمی‌شد.<sup>۲۰</sup> این بخش شامل ۴۰۰۰ تعاونی کشاورزی با ۴/۵ میلیون عضو، ۷۵۷ تعاونی صنایع دستی با ۶۰۰۰۰ عضو، بیش از ۱۰۰۰ تعاونی مسکن با ۴۲۰۰۰ نفر عضو و حدود ۵۰۰ شرکت معیشتی و اعتباری با ۱۱۲۰۰۰ عضو بود. دولت جدید نظام فدرالی را پذیرفت و سیاست اقتصادی جدیدی را اتخاذ کرد تا مسیر اقتصاد کشور را به سمت اقتصادی بازاری تغییر دهد. این اقتصاد با خصوصی‌سازی و برنامه بهبود فوری برای تمام بنگاهها از جمله تعاونیها همراه بود. خیلی از این تعاونیها دوام نیاوردند، اما آنها که دوام آوردند از برنامه‌های گوناگون کمک به کسب و کارهای کوچک و متوسط منتفع شدند.

سوتو کشوری کوچک است، با ۱/۸ میلیون نفر جمعیت، که ۸۰ درصد آنها از راه کشاورزی امرار معاش می‌کنند. دولتی دموکراتیک در این کشور در سال ۱۹۹۳ به قدرت رسید و موقعیتی را به ارث برد که در آن دولت کاملاً بر کالج‌های تعاونی نظارت داشت و صاحب ۹۰ درصد سهام سازمان مرکزی یعنی تعاونی لسوتو Lesotho Co-op بود. پی‌آمد اصلاحات، تجدیدنظر در قانون تعاون، خودمختاری کالج، تعیین هیأت مدیره‌ای جدید برای تعاونی لسوتو و همچنین استخدام کارکنان جدید است. انتظار می‌رود که هیأت مدیره‌ای منتخب روی کار آید.

تانزانیا بزرگترین کشور شرق آفریقا است. اقتصاد آن عمدتاً کشاورزی است (۵۶ درصد تولید ناخالص داخلی و ۸۰ درصد نیروی کار) در این کشور تعاونیها در تولید، فرآوری و بازاریابی تقریباً تمام تولیدات کشاورزی فعالند این مهم میراثی از دولت سوسیالیست است که تأکید زیادی بر تعاونیها داشت، این بخش با داشتن بیش از ۲۵۲۵ تعاونی



رژیم‌های استبدادی مشتمل بر بخش‌های تعاونی که کاملاً تحت نظارت دولت قرار دارند، باقی مانده است.

اتیوپی در شاخ آفریقا قرار دارد و دارای جمعیتی بالغ بر ۵۵ میلیون نفر است. اقتصاد مسلط اقتصاد زمین‌داری است و تنها چند بخش کوچک تولیدی وجود دارد و درآمد سرانه فقط ۲۷۰ دلار است؛ نیمی از جمعیت زیر خط مطلق فقر زندگی می‌کنند. سه نوع دولت بر نوع نگرش نسبت به تعاونیها تأثیر گذاشته‌اند: دولت پادشاهی تا سال ۱۹۷۴، دولت نظامی مارکسیستی تا سال ۱۹۹۱ و دولت در حال گذار کنونی. در دوران رژیم مارکسیستی تا سال ۱۹۹۱ و دولت در حال گذار کنونی تعاونیها "بازوهای سیاسی و اقتصادی" دولت بودند؛ رهبران آنها با

فراهم کرد. وقتی که نهضت تعاون نتوانست کالج تعاونی زامبیا را تقویت و حمایت کند باید به خصوصی‌سازی آن تسلیم می‌شد.<sup>۳۹</sup> در دیگر کشورها سازمان‌های مرکزی، هنوز در حال ارزیابی نیازهای نهضت‌شان قبل از واگذاری آنها هستند و امتیازهایی همچون اعطای خودمختاری در مدیریت به کالج‌های تعاونی، می‌تواند راه را برای خصوصی‌سازی کامل باز کند. نقش مهم آژانس‌های بین‌المللی کمک‌رسانی در هموارساختن راه‌گذار و کمک به تعاونیها و دولت‌ها از نظر استراتژیک جهت برنامه‌ریزی برای تغییر است.

در اینجا به چند نمونه از تأثیر سازگاری ساختاری بر تعاونیها می‌پردازیم. در برخی کشورها، میراثی از

بازاریابی و ۳۰۵۰۰۰ عضو، ۶۲۸ شرکت اعتباری و ۱۳۴۰۰۰ عضو، ۳۰۲ تعاونی صنعتی و ۵۰۰۰ عضو، ۱۱۷ تعاونی مسکن با حدود ۷۰۰۰ عضو و... بسیار قدرتمند است. با کاهش پرداخت هزینه بخش‌های عمومی و اجتماعی به نصف و کاهش تعداد مأموران شاغل در بخش تعاون از ۱۵۰۰ به ۸۲۰، قطع حمایت دولت بسیار سریع اتفاق افتاد. در سال ۱۹۹۴، فدراسیونی از تعاونیها به منظور در اختیار گرفتن خدمات پشتیبانی، همچون ممیزی و توسعه منابع انسانی تشکیل شد و شرکتهای غیر قابل دوام با کاهش اعضا از قریب ۹۰۰۰ نفر به ۴۳۷۷ نفر تجدید ساختار شدند. از ۴۱ اتحادیه اعتبار، ۷ اتحادیه برچیده شده و مابقی نوسازی و تحکیم شده‌اند، اما اقداماتی برای ایجاد بانکهای تعاونی جهت کمک به استقلال مالی این بخش انجام گرفته است.<sup>۲۱</sup>

زیمبابوه نیز همانند تانزانیا، سابقاً دارای اقتصاد فرمایشی بود، که داعیه صد در صد تعاونی بودن را داشت. در سال ۱۹۹۱ دولتی جدید، نهضت دموکراسی چند حزبی، به قدرت رسید و تعاونیها انحصار بازاریابی محصول، کمک‌های مالی و یارانه را از دست دادند. سهم آنها از بازار از ۱۰۰ درصد به ۱۰ درصد کاهش یافت و خیلی از آنها متلاشی شدند. بنیان اقتصادی شان چنان ضعیف بود که بعد از اینکه دولت اداره امور کالج تعاونی را به خود آنها وا گذاشت، باز بعد از یکسال ناگزیر به بازپس‌گیری آن شد. اصلاحات جدی در قانون تعاون در حال اعمال است، اما مدت مدیدی طول می‌کشد تا خسارتی که بواسطه میراث نظارت دولتی به این بخش وارد شده است جبران شود.

در قاره سیاه کشورهایی هستند که در آنها بخش تعاونی به شدت تحت نفوذ دولت قرار دارد، اما به تدریج در حال

استقلال یافتن هستند. در کنیا، تا قبل از سال ۱۹۷۳، تعاونیها با رشد سالانه ۵ درصدی بخش کشاورزی و رشد ۷ درصدی بخش صنعت، از دوره رشد ثابتی برخوردار بودند بعد از بحران نفت تورم از ۳ درصد به بیش از ۱۵ درصد افزایش یافت و بهای واقعی صادرات کشاورزی تنزل یافت و از این رو در اوایل دهه‌ی هشتاد، برنامه تثبیت آغاز شد. تأثیر این برنامه بر تعاونیها متفاوت بود. خارج شدن بهای کالاهای کشاورزی از شمول قانون، تعاونیهای لبنیات را به خاطر سه برابر شدن قیمت‌ها در طول دو سال، منتفع ساخت، اما بهای ذرت نصف شد. از دور خارج کردن هیأت‌های بازاریابی دولتی نه تنها به ورود تعاونیها به بازار صادرات انجامید، بلکه رقبای زیادی را خصوصاً در صنعت پنبه وارد صحنه کرد.<sup>۲۲</sup> نرخ‌های بالای بهره، وام‌گرفتن تعاونیها را متوقف ساخت، اما آزادسازی نرخ مبادلات تولیدکنندگان به این معنا بود که آنها می‌توانستند از خارج قرض بگیرند و از ارزهای خارجی بدست آمده برای واردات استفاده کنند پیش نویس قانون جدید تعاون در حال تهیه است، اما خصوصی سازی خدمات پشتیبانی که وزارت توسعه تعاونیها ارائه می‌دهد به آهستگی در حال مطرح شدن است، به طوری که مانع گسست شود.

در اوگاندا، بخش تعاون در حد وسیع و فراگیر وجود دارد تعاونیهای بازاریابی کشاورزی ۶۳ درصد از ۵۸۶۳ تعاونی به ثبت رسیده را شامل می‌شوند، گرچه به قولی "آنها هرگز بازاریابی نکرده‌اند؛ بلکه صرفاً آژانس‌های گردآوری محصولاتی از قبیل ضایعات پنبه، قهوه برای شرکتهایی که با دولت همکاری می‌کنند و همچنین برای هیأت‌های بازاریابی محصول بوده‌اند"<sup>۲۳</sup> و سودشان به خاطر هزینه‌های حفظ این هیأت مدیره‌ها از دست رفته است. سالها جنگ و نزاع داخلی، با

نظارت دولت بر مدیریت تعاونیها بهم پیوست، تا این بخش از نظر اقتصادی ضعیف بماند، و ادغام‌های ناچیزی انجام گیرد و عضویت در آنها منفعَل باشد. در سال ۱۹۸۷ آی، ام، اف I.M.F و بانک جهانی تطابق ساختاری را به دولت بر نهضت مقاومت ملی National Resistance Movement تحمیل کردند. وجوه اختصاص یافته به امر آموزش به شدت کاهش یافت، اتحادیه‌ها گرفتن وام‌های مربوط به گردآوری محصول را دشوار دیدند و نرخ پایین‌تر مبادله به معنای عایدی کمتر تعاونیهای صادراتی در قبال تولیداتشان بود. از طرف دیگر، نتایج تثبیت نرخهای پایین‌تر بهره، مکانیسم‌های ساده‌تر صادرات، آزادسازی قیمت‌ها - به تعاونیهایی که می‌توانند رقابت کنند، کمک کرده است و تحکیم خدمات مدنی به معنای رخنه افراد تعلیم دیده در کمیته‌های تعاونی بود. حمایت‌های انجام گرفته باعث تقویت توسعه منابع انسانی می‌شود که تعاونیها به آن نیاز دارند ولی نمی‌توانند بابت آن وجهی بپردازند و اتحادیه تعاونی اوگاندا به تدریج در حال دریافت خدمات حمایتی از دولت است.

سوم، کشورهایی هستند که در حال التیام از آسیب‌های وارده توسط نوع متفاوتی از استبداد آباتراید - هستند. وقتی زیمبابوه استقلالش را در سال ۱۹۸۰ کسب کرد، دارای حدود ۳۰۰ تعاونی به ویژه در بخش کشاورزی، بازاریابی و تأمین نیاز بود. هم اکنون (جدول ۱۹۹۵) ۲۳۹۱ شرکت اولیه ثبتی (هنوز عمدتاً در بخش کشاورزی)، با عضویت ۱۵۷۰۰۰ نفر، شامل ۲۶ تعاونی ملی زیمبابوه وابسته‌اند.<sup>۲۴</sup> در این کشور در ابتدا، اقتصادی کنترل شده مطرح شد، اما در اوایل دهه نود تطابق ساختاری مطرح گردید. باز، نتایج مثبت و منفی تجربه شد: کاهش ارائه خدمات توسط



وزارتخانه‌هایی که با مشکل کمبود پرسنل روبرو بودند، رقابت با شرکت‌های چند ملیتی و اجبار تعاونیها به کاهش قیمتها، دشواری گرفتن وام، اما در عین حال فرصتهای جدید صدور کالا، خصوصاً برای تعاونیهای صنایع دستی فراهم آمد. علیرغم آمارهای شوق برانگیز، بخش تعاونی کاملاً ضعیف باقی ماند. در آفریقای جنوبی سابقاً دو بخش تعاونی مجزا وجود داشت، یکی برای سیاهان و یکی برای سفیدها، و میراث آپارتاید در این زمینه تصویری مغشوش به جای گذاشته است و تعاونیها تحت هشت مجموعه قانون متفاوت به ثبت رسیده‌اند که بعضی از آنها مربوط به دولتهای قبلی است. حدود ۷۶۰ تعاونی تحت قانون اصلی سال ۱۹۸۱ به ثبت رسیده‌اند، ۲۲۰ تای دیگر تحت قوانین گوناگون مربوط به هر منطقه، تعداد زیادی هم در بخش‌های غیر رسمی رسیده‌اند؛ بدگمانی جمعیت ساهبوست نسبت به دولت ارتجاعی و بدگمانی به حمایت مالی سازمان‌های غیر دولتی میراث آن دوران است. ۲۵ برنامه تجدید ساختار و توسعه، توسعه اقتصادی اقلیت محروم را مد نظر دارد و در این راستا دولت به کشاورزان کمک مالی می‌کند و تعاونی‌های موجود را نیز کم‌کم قانونمندتر از قبل می‌کند. اما مجموعه‌ای کامل از خدمات حمایتی برای تعاونیهای جدید فراهم می‌آورد. در بطن یک دولت دموکراتیک جدید، و در جامعه مدنی در حال ظهور و با وجود خواسته‌های ناگفته بی شمار برای نیل به عدالت اقتصادی، از بخش تعاون انتظار می‌رود به سرعت رشد کند. ۲۶ در سال ۱۹۹۷ اتحادیه بین‌المللی تعاون به راه‌اندازی سازمان محوری جدیدی کمک کرد و برای اولین بار بخش‌های تعاونی سیاهان و سفیدان توانستند در قالب یک هیأت نمایندگی گرد هم آیند. ۲۷

\* برگرفته از فصل چهارم کتاب نهضت بین‌المللی تاون

نوشته جانستون برجال سال ۲۰۰۱

- ۳۲. سازمان بین‌المللی کار (۱۹۹۵)، ص ۳
- ۳۳. مانکر و شاه از مصر نام می‌برند که در آنجا علیرغم انتشار بیانیهای در سال ۱۹۸۳ مبنی بر اینکه تعاونیها باید به نهادهایی مستقل تبدیل شوند. بخش تعاون هنوز مدیران تعاونی محلی را استخدام می‌کند.
- ۳۴. برگگارد *Bligegaard* و گنبرگ (۱۹۹۴) ص ۳.
- ۳۵. برگگارد *Bligegaard* و گنبرگ (۱۹۹۴) ص ۳.
- ۳۶. برگگارد *Bligegaard* و گنبرگ (۱۹۹۴) ص ۴.
- ۳۷. وب *Webb* و وب (۱۹۲۱).
- ۳۸. برگگارد *Bligegaard* و گنبرگ (۱۹۹۴). ۳۹. سازمان بین‌المللی کار (۱۹۹۵)
- ۴۰. اعلامیه کشور در مورد آرمان شهر، در سازمان بین‌المللی کار (۱۹۹۵)
- ۴۱. مطالعه موردی اوگاندا، در سازمان بین‌المللی کار (۱۹۹۵)
- ۴۲. مطالعه موردی کنیا، در سازمان بین‌المللی کار (۱۹۹۵)
- ۴۳. مطالعه موردی اوگاندا، در سازمان بین‌المللی

کار (۱۹۹۵)

- ۴۴. اینچنین آماری تعداد تعاونیهای منحل شده و غیر فعال را به حساب نمی‌آورد و از این رو آنها تعادل دارند که در قدرت نهضت اهراف کنند. در حال حاضر (۱۹۹۷) اتحادیه بین‌المللی تعاون در حال فراهم آوردن مقدمات انجام پروژهای جهت گردآوری اطلاعات جامع‌تر مورد تعاونی‌های آفریقا است.
- ۴۵. حداقل رسمی در مورد تعداد تعاونیهای کشاورزی حالت توجهنده: ۲۵۸ تعاونی با ۱۹۶۰۰۰ عضو وجود دارد ولی عایدی آنها از بسیاری از کشورهای آفریقایی دیگر بیشتر است، حدود سالانه ۷ بلیون دلار آمریکا، که احتمالاً بازتاب این واقعیت است که تعاونیهای تشکیل شده توسط سفیدپوشان به لحاظ ویژگی اروپایی‌ترند رجوع کنید به کوت *Cote* و لوک *Luc* (۱۹۹۶)
- ۴۶. مطالعه موردی جنوب آفریقا، در سازمان بین‌المللی کار (۱۹۹۵)
- ۴۷. اطلاعات از جان اریک ایسیس *John Erich Imbsen* از اتحادیه بین‌المللی تعاون. سازمان بین‌المللی کار نیز از این سازمان جدید حمایت می‌کند. ●